

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۳

آیه ۸۶ - ۸۸

آیه و ترجمه

الم یروا انا جعلنا الیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرا ان فی ذلک لایت لقوم
یؤمنون (۸۶)

و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموت و من فی الارض الا من شاء الله و
کل اتوه دخرین (۸۷)

و ترى الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل
شیء انه خبیر بما تفعلون (۸۸)

ترجمه :

۸۶ - آیا آنها ندیدند ما شب را قرار دادیم که در آن بیارامند و روز را روشنی
بخش، در این امور نشانه‌های روشنی است برای کسانی که آماده پذیرش
ایمانند.

۸۷ - به خاطر بیاورید روزی را که در صور دمیده می شود و تمام کسانی که در
آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند جز کسانی که خدابه خواهد و
همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند.

۸۸ - کوهها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری در حالی که مانند ابر
در حرکتند این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز رامتن آفریده او
از کارهائی که شما انجام می دهید آگاه است.

تفسیر :

حرکت زمین - یک معجزه علمی قرآن

بار دیگر در این آیات به مساله مبدء و معاد و نشانه‌های قدرت و عظمت

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۴

خداوند در عالم هستی، و همچنین حوادث رستاخیز پرداخته چنین می گوید:
آیا آنها ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم (الم یروا انا جعلنا اللیل
لیسکنوا فیه)

و روز را روشنی بخش (و النهار مبصرا).

در این امور نشانه‌ها و دلایل روشنی است از قدرت و حکمت پروردگار برای کسانی که آماده پذیرش ایمانند (ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون).

این نخستین بار نیست که قرآن از آثار حیاتبخش شب و روز و نظام نور و ظلمت سخن می‌گوید، همانگونه که آخرین بار نیز نمی‌باشد این به‌خاطر آنست که قرآن یک کتاب تعلیم و تربیت و انسانسازی است و می‌دانیم اصول تعلیم و تربیت گاه ایجاب می‌کند که یک موضوع را در فواصل مختلف تکرار کنند و به یاد آورند تا کاملاً خاطر نشان گردد و به اصطلاح جا بیفتد.

آرامشی که از تاریکی شب به وجود می‌آید یک واقعیت مسلم علمی است پرده‌های تاریک شب نه تنها یک وسیله اجباری برای تعطیل فعالیت‌های روزانه است، بلکه اثر عمیقی روی سلسله اعصاب انسان و سایر جانداران می‌گذارد و آنها را در استراحت و خواب عمیق - و به تعبیر قرآن سکوت - فرو می‌برد.

همچنین رابطه روشنایی روز، و تلاش و حرکت و جنبشی که خاصیت تابش نور است نیز از نظر علمی جای تردید نیست، نه فقط نور آفتاب صحنه زندگی را روشن و چشم انسان را فعال می‌سازد، بلکه تمام ذرات وجود انسان را بیدار کرده و به فعالیت وامی‌دارد.

این آیه گوشه‌ای از توحید ربوبی را روشن می‌سازد و از آنجا که معبود واقعی همان رب و مدبر عالم هستی است خط بطلان بر چهره بت‌های می‌کشد و مشرکان را به تجدید نظر در عقائد خود وامی‌دارد.

توجه به این نکته نیز لازم است که انسان باید خود را با این نظام هماهنگ

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۵

سازد، شب را استراحت کند، و روز را به تلاش و کوشش بپردازد، تاهمیشه سالم و فعال باشد نه همچون هوسرانانی که شب را بیدار می‌مانند و روز را تا نزدیکی ظهر در خواب فرو می‌روند.

جالب اینکه مبصر که در اصل به معنی بینا است صفت روز قرار داده شده است، در حالی که وصف انسانها در روز می‌باشد، این یکنوع تاکیدزیا است همانگونه که گاه شب را توصیف به خواب رفتن می‌کنند و می‌گویند لیل نائم!

و این تفاوت تعبیر که در بیان فائده شب و روز در آیه مشاهده می‌شود که در یکجا لتسکنا فیه می‌گوید و در جای دیگر مبصر، ممکن است اشاره به این باشد که هدف اصلی شب سکونت و آرامش است، ولی هدف روشنایی روز دیدن نیست، بلکه دیدن ابزاری است برای رسیدن به مواهب حیات و بهره‌گیری از

آن (دقت کنید).

به هر حال این آیه گر چه مستقیماً سخن از توحید و تدبیر عالم هستی می‌گوید ولی می‌تواند اشاره لطیفی به مساله معاد نیز در برداشته باشد، چرا که خواب همچون مرگ است، و بیداری همچون زندگی پس از مرگ.

آیه بعد به رستاخیز و مقدمات آن می‌پردازد و می‌گوید: به خاطر بیاورید روزی را که در صور دمیده می‌شود و تمام کسانی که در آسمانها و در زمین هستند در وحشت فرو می‌روند، جز کسانی که خدا بخواهد، و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند (و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السماوات و من فی الارض الا من شاء الله و کل أتوه داخرین). از مجموعه آیات قرآن استفاده می‌شود که دو یا سه بار نفخ صور می‌شود: یکبار در پایان دنیا و آستانه رستاخیز، که وحشت همه را فرامی‌گیرد.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۶

بار دوم همگی با شنیدن آن قالب تهی می‌کنند و می‌میرند (این دو نفخه ممکن است یکی باشد).

بار سوم به هنگام بعث و نشور و قیام قیامت است که با نفخ صور همه مردگان به حیات باز می‌گردند و زندگی نوینی را آغاز می‌کنند. در اینکه آیه فوق اشاره‌ای به نفخه اول و دوم است یا نفخه سوم میان مفسران گفتگو است، قرائنی در خود آیه و آیات بعد بر هر دو نظر وجود دارد، بعضی نیز آن را اشاره به همه این نفخه‌ها دانسته‌اند.

ولی ظاهر آیه نشان می‌دهد که اشاره به نفخه اولی است که در پایان جهان صورت می‌گیرد زیرا فزع که به معنی ترس و وحشتی است که تمام قلب انسان را فرا می‌گیرد از آثار این نفخه شمرده شده، و می‌دانیم در نفخه قیامت ترس و وحشت به خاطر اعمال است و حساب و جزا، نه به خاطر تاثیر نفخه. به تعبیر دیگر ظاهر فاء تفریع در ففزع این است که این فزع و وحشت ناشی از نفخه صور است و این مخصوص نفخه اولی است زیرا نفخه آخر نه تنها فزع آفرین نیست، بلکه مایه حیات و حرکت و جنبش است و اگر وحشتی باشد از اعمال خود انسان است.

و اما مفهوم نفخه صور، نفخ به معنی دمیدن، و صور به معنی شیپور است و در اینکه منظور از این تعبیر در اینجا چیست؟ گفتگوهای فراوانی است که به

خواست خدا در ذیل آیه ۶۸ سوره زمر خواهد آمد.
و اما جمله الا من شاء الله که به صورت استثناء از این ترس و وحشت عمومی ذکر شده اشاره به نیکان و پاکان، اعم از فرشتگان و مؤمنانی است که در آسمانها و زمینند آنها در پرتو ایمان، آرامش مخصوصی دارند، نه نفخه اول صور آنها را متوحش می سازد، و نه نفخه آخر، و در آیات بعد نیز می خوانیم کسانی که با دست پر از حسنات به پیشگاه خدا بروند از وحشت و فزع آن روز در امن و امانند.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۷

من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ آمنون
اما جمله کل آتوه داخرین: همگی با خضوع و ذلت در پیشگاه او حاضر می شوند
ظاهرا عام است و هیچ استثنائی در آن نیست زیرا حتی انبیاء و اولیا در پیشگاه او خاضع و کوچکند، و اگر می بینیم در آیه ۱۲۷ سوره صافات می فرماید: فانهم لمحضرون الا عباد الله المخلصین: همگان در پیشگاه او حاضر می شوند مگر بندگان مخلص پروردگار منافاتی باعمومیت آیه مورد بحث ندارد، چرا که آیه مورد بحث اشاره به اصل حضور در محشر و پیشگاه خدا است و دوم اشاره به حضور در صحنه حساب و بررسی اعمال است.
آیه بعد اشاره به یکی دیگر از آیات عظمت خداوند در پهنه عالم هستی کرده می گوید: کوهها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری درحالی که مانند ابر در حرکتند (و ترى الجبال تحسبها جامدة و هي تمرمر السحاب).
این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده (صنع الله التي اتقن كل شيء).
کسی که این همه حساب و نظم در برنامه آفرینش او است مسلما از کارهائی که شما انجام می دهید آگاه است (انه خبير بما تفعلون).
بسیاری از مفسران معتقدند که آیه فوق اشاره به حوادث آستانه رستاخیز است، چرا که می دانیم در پایان این جهان و آغاز جهان دیگر زلزله ها و انفجارها

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۸

و دگرگونیهای عظیم واقع می شود، و کوهها از هم متلاشی می گردند، این نکته در بسیاری از سوره های آخر قرآن صریحا آمده است.
قرار گرفتن این آیه در میان آیات رستاخیز، دلیل و گواه این تفسیر است.

ولی قرائن فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تایید می کند و آن اینک آیه فوق از قبیل آیات توحید و نشانه های عظمت خداوند در همین دنیا است و به حرکت کره زمین که برای ما محسوس نیست اشاره می کند.

توضیح اینکه:

۱ - آیه فوق می گوید: گمان می کنی کوهها جامد و ساکنند، در حالی که همچون ابر در حرکتند معلوم است این تعبیر با حوادث آغاز رستاخیز سازگار نیست، چرا که این حوادث به قدری آشکار است که به تعبیر قرآن از مشاهده آنها مادران کودکان شیرخوار خود را فراموش می کنند و زنان باردار سقط چنین می نمایند، و مردم از شدت وحشت همچون مستانند در حالی که مست نیستند! (سوره حج آیه ۲).

۲ - تشبیه به حرکت ابرها متناسب حرکات یکنواخت و نرم و بدون سرو صدا است، نه انفجارهای عظیمی که صدای رعد آسایش گوشها را کرمی کند.

۳ - تعبیر بالا نشان می دهد، در عین اینکه ظاهرا کوهها ساکنند در واقع در همان حال به سرعت حرکت می کنند (یعنی دو حالت از یک شیء رادر آن واحد بیان می کند).

۴ - تعبیر به اتقان که به معنی منظم ساختن و محکم نمودن است نیز متناسب با زمان برقراری نظام جهان دارد، نه زمانی که این نظام فرومی ریزد و متلاشی و ویران می گردد.

۵ - جمله انه خبیر بما تفعلون مخصوصا با توجه به اینکه تفعلون

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۶۹

فعل مضارع است نشان می دهد که مربوط به این دنیا است چرا که می گوید: او از اعمالی که شما در حال و آینده انجام می دهید با خبر است و اگر مربوط به پایان این جهان بود می بایست گفته شود ما فعلتم (کاری که انجام دادید) (دقت کنید).

از مجموع این قرائن دقیقا چنین استفاده می شود که این آیه یکی دیگر از عجائب آفرینش را بیان می کند و در واقع شبیه چیزی است که در دو آیه قبل آمده (الم یروا انا جعلنا اللیل لیسکنوا فیه).

و بنابراین آیات مورد بحث، قسمتی درباره توحید و بخشی درباره معاد است. نتیجه ای که از این تفسیر می گیریم این است که این کوهها که ما آنها را ساکن می پنداریم با سرعت زیاد در حرکتند، مسلما حرکت کوهها بدون حرکت

زمینهای دیگر که به آنها متصل است معنی ندارد، و به این ترتیب معنی آیه چنین می شود که زمین با سرعت حرکت می کند همچون حرکت ابرها! طبق محاسبات دانشمندان امروز سرعت سیر حرکت زمین به دور خود نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است و سرعت سیر آن در حرکت انتقالی به دور آفتاب از این هم بیشتر است. اما چرا قرآن کوهها را مرکز بحث قرار داده شاید به این جهت است که کوهها از نظر سنگینی و وزن و پا بر جایی ضرب المثلند و برای تشریح قدرت خداوند نمونه بهتری محسوب می شوند، جایی که کوهها با این عظمت و سنگینی به فرمان خدا (همراه زمین) حرکت کنند قدرت او بر هر چیز به ثبوت می رسد. به هر حال آیه فوق از معجزات علمی قرآن است، زیرا می دانیم نخستین دانشمندانی که حرکت کره زمین را کشف کردند، گالیله ایتالیائی و کپرنیک لهستانی بودند که در اواخر قرن ۱۶ و اوائل ۱۷ میلادی این عقیده را بر ملا

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۰

ساختند، هر چند ارباب کلیسا شدیداً آنها را محکوم کرده و تحت فشار گذاشتند! ولی قرآن مجید حدود یکهزار سال قبل از آنها، پرده از روی این حقیقت برداشت، و حرکت زمین را به صورت فوق به عنوان یک نشانه توحید مطرح ساخت. بعضی از فلاسفه اسلامی در عین قبول تفسیر دوم یعنی اشاره به حرکت کوهها در این جهان، آیه را ناظر به حرکت جوهری اشیاء دانسته اند و آن را هماهنگ و مؤید نظریه معروف حرکت جوهری می دانند. در حالی که تعبیرات، آیه با آن سازگار نیست زیرا تشبیه به حرکت ابرها تناسب با حرکت در مکان (حرکت در این) دارد نه حرکت در جوهر، بنابراین ظاهر آیه فقط یک تفسیر را می پذیرد و آن حرکت میکانیکی زمین (به دور خویش یا به دور خورشید) است.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۱

آیه ۸۹ - ۹۳

آیه و ترجمه

من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ امنون (۸۹)
و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون (۹۰)
انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة الذي حرّمها و له كل شيء و امرت ان اكون
من المسلمين (۹۱)
و ان اتلوا القرآن فمن اهتدى فانما يهتدى لنفسه و من ضل فقل انما انا من
المنذرين (۹۲)
و قل الحمد لله سيريكم اياته فتعرفونها و ما ربك بغفل عما تعملون (۹۳)
ترجمه :

۸۹ - کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنها از
وحشت آن روز در امانند.
۹۰ - و آنها که اعمال بدی انجام دهند به رو در آتش افکنده می شوند آیا جزائی
جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۲

۹۱ - (بگو) من مامورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم همان
کسی که این شهر را حرمت بخشیده و همه چیز از آن اوست و من مامورم که از
مسلمین باشم.
۹۲ - و اینک قرآن را تلاوت کنم هر کس هدایت شود برای خود هدایت شده و
هر کس گمراه گردد (گناهش به گردن خود اوست) بگو من فقط از انداز
کنندگانم.
۹۳ - بگو حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما
نشان می دهد تا آنها را بشناسید و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل
نیست.

تفسیر :

آخرین ماموریت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

در آیات گذشته سخنی از اعمال بندگان و آگاهی خداوند نسبت به آن
در میان بود و در نخستین آیات مورد بحث سخن از پاداش عمل و ایمنی آنها از
فزع روز قیامت است.
می فرماید: کسانی که حسنه و کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند
داشت و از وحشت آن روز در امان خواهند بود (من جاء بالحسنة فله خير منها و
هم من فزع يومئذ امنون).

در اینکه منظور از حسنه چیست؟ مفسران تعبیرات گوناگونی دارند: بعضی آن را به کلمه توحید و لا اله الا الله و ایمان به خدا تفسیر کرده‌اند. و بعضی آن را اشاره به ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه معصومین می‌دانند، و در روایات متعددی که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) رسیده بر این معنا تاکید شده است، از جمله: در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می‌خوانیم که یکی از یاران علی (علیه السلام) بنام ابو عبدالله جدلی خدمتش آمد امام فرمود آیا از معنی این سخن خداوند من جاء بالحسنة فله خير منها ... (تا پایان آیه بعد) به تو خبر دهم؟ عرض کرد آری فدایت شوم ای امیر مؤمنان! فرمود: الحسنه معرفة الولاية و حبنا اهل البيت و السيئة انكار الولاية و بغضا اهل البيت: حسنه شناخت ولایت و دوستی ما

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۳

اهلبیت است، و سیئه انکار ولایت و دشمنی ما اهل بیت می‌باشد. البته همانگونه که بارها گفته‌ایم معنی آیات وسیع و گسترده است حسنه و سیئه نیز در اینجا مفهوم وسیعی دارند که همه اعمال نیک را در بر می‌گیرد، از جمله ایمان به خدا و پیامبر اسلام و ولایت ائمه (علیهم السلام) که در رأس هر کار نیک قرار دارد و مانع از آن نیست که اعمال صالح دیگر نیز در آیه جمع باشد.

اما اینکه بعضی از این عمومیت بخاطر کلمه خیر نگران شده‌اند و گفته‌اند مگر چیزی بهتر از ایمان به خدا پیدا می‌شود که پاداش آن باشد؟ پاسخ روشن است: زیرا رضا و خشنودی پروردگار از ایمان هم والاتر است، و به تعبیر دیگر همه اینها مقدمه برای آن است و ذی‌المقدمه برتر از مقدمه باشد.

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که ظاهر بعضی از آیات (مانند آیه ۲ سوره حج) این است که وحشت رستاخیز همگان را فرا می‌گیرد چگونه صاحبان حسنات از آن مستثنی هستند؟.

آیه ۱۰۳ سوره انبیاء پاسخ این سؤال را بیان می‌کند چرا که می‌گوید مؤمنان صالح از وحشت بزرگ در امانند.

و می‌دانیم که وحشت بزرگ همان وحشت روز قیامت است و وحشت ورود در دوزخ، نه وحشتی که به هنگام نفخه صور پیدا می‌شود (دقت کنید)

سپس به نقطه مقابل این گروه پرداخته، می‌گوید کسانی که سیئه و کار بدی انجام دهند به رو در آتش افکنده می‌شوند! (و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم

فی النار).

و جز این توقعی نمی‌توانند داشته باشند آیا جزائی جز آنچه عمل می‌کردید

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۴

خواهید داشت؟! (هل تجزون الا ما كنتم تعملون).
کبست از ماده کب (بر وزن جد) در اصل به معنی افکندن چیزی به صورت بر زمین است و ذکر وجوه (صورتها) در آیه فوق از باب تاکید است.
افکندن این گروه را به صورت در آتش به عنوان بدترین نوع عذاب است.
بعلاوه چون آنها هنگامی که مواجه با حق می‌شدند، صورت خود را بر می‌گرداندند و با همان صورت از گناه استقبال می‌کردند اکنون باید گرفتار چنین مجازاتی شوند.
جمله هل تجزون الا ما كنتم تعملون ممکن است پاسخ سؤالی باشد که در اینجا مطرح می‌شود و آن اینکه اگر کسی بگوید این مجازات، مجازات شدیدی است، در پاسخ گفته می‌شود این همان اعمال شماست که دامن‌تان را گرفته شما جزائی جز اعمالتان ندارید؟ (دقت کنید).
سپس در سه آیه آخر این سوره، روی سخن را به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کرده و حقایقی را بازگو می‌کند که در واقع بیانگر این واقعیت است که به آنها بگو من وظائف خودم را انجام می‌دهم، چه شما مشرکان لجوج ایمان بیاورید و چه نیاورید.
نخست می‌فرماید: من مامورم پروردگار این شهر مقدس (شهر مکه) را عبادت کنم! (انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة).
این شهر مقدسی که تمام افتخار شما و موجودیتتان در آن خلاصه می‌شود، شهر مقدسی که خدا آن را با برکاتش به شما ارزانی داشته ولی شما بجای شکر نعمتش کفران می‌کنید.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۵

شهر مقدسی که حرم امن خداست و شریفترین نقطه روی زمین، و قدیمی‌ترین معبد توحید است.
آری من مامورم پروردگاری را عبادت کنم که این شهر را حرمت نهاده (الذی حرمها).
ویژگی‌هایی برای آن قرار داده، و احترامات و احکام خاص، و ممنوعیتهایی که

برای شهرهای دیگر در جهان نیست.

اما تصور نکنید که فقط این سرزمین ملک خدا است بلکه همه چیز در عالم هستی به او تعلق دارد (و له کل شیء).

و دومین دستور که به من داده شده این است: من مامورم که از مسلمین باشم تسلیم مطلق در برابر فرمان پروردگار و نه غیر او (و امرت ان اکون من المسلمین).

و به این ترتیب دو ماموریت اصلی خود را که پرستش خداوند یگانه و تسلیم مطلق در برابر فرمان او است بیان می‌دارد.

سپس ابزار وصول به این دو هدف را چنین بیان می‌کند: من مامورم قرآن را تلاوت کنم (و ان اتلو القرآن).

از فروغ آن شعله گیرم، و از چشمه آب حیاتش جرعه‌ها بنوشم، و در همه برنامه‌ها بر راهنمایی آن تکیه کنم آری این وسیله من است برای رسیدن به آن دو هدف مقدس، و مبارزه با هر گونه شرک و انحراف و گمراهی.

و به دنبال آن اضافه می‌کند: تصور نکنید ایمان آوردن شما سودی به حال من و یا از آن بالاتر سودی برای خداوند بزرگ دارد، نه هر کس هدایت شود برای خود هدایت شده (فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه).

و تمام منافع هدایت چه در این جهان و چه در جهان دیگر عائد خود اومی شود.

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۶

و هر کس گمراه شود، وزر و وبالش به گردن خود او است، بگو من فقط از انداز کنندگان و بیم دهندگانم (و من ضل فقل انما انا من المنذرين).

و عواقب شوم آن دامن مرا نمی‌گیرد، وظیفه من بلاغ مبین و ابلاغ آشکاراست، وظیفه من ارائه طریق و اصرار بر پیمودن راه است اما آن کس که مایل است در گمراهی بماند، تنها خویشتن را بدبخت کرده.

جالب اینست که در مورد هدایت می‌گوید هر کسی هدایت شود به سود خویش است ولی در مورد ضلالت نمی‌گوید به زیان خود او است، بلکه می‌گوید: من از منذرین هستم این تفاوت تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که من در برابر گمراهان هرگز سکوت نمی‌کنم، و آنها را به حال خود رها نمی‌سازم، بلکه پیوسته انداز می‌کنم و به این کار ادامه می‌دهم و خسته نمی‌شوم، چرا که من انداز کننده‌ام. (البته در بعضی دیگر از آیات قرآن هر دو تعبیر، مشابه آمده است ولی می‌دانیم تفاوت تعبیرات هماهنگ با تفاوت مقامات است و گاه برای

القای معانی مختلف و متفاوت می باشد).
قابل توجه اینکه این سوره با ذکر اهمیت قرآن آغاز شده و با تاکید بر تلاوت قرآن پایان می گیرد و ابتدا و انتها، قرآن است.
و سرانجام در آخرین آیه به پیامبر دستور می دهد که خدا را در برابر این همه نعمت های بزرگ مخصوصا نعمت هدایت حمد و ستایش کند می فرماید: بگو حمد برای خدا است (و قل الحمد لله).
این حمد و ستایش هم به نعمت قرآن باز می گردد، هم هدایت الهی و هم می تواند مقدمه ای برای جمله بعد باشد که می گوید:
به زودی خداوند آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۷

(سیریکم آیاتی فتعرفونها).
این تعبیر اشاره به آن است که با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش و خرد آدمی، هر روز پرده از آیات جدید و اسرار تازه ای از عالم هستی برداشته می شود، و روز به روز به عظمت قدرت و عمق حکمت پروردگار آشنا تر می شوید، و این ارائه آیات هرگز قطع نمی شود و در طول عمر بشر همچنان ادامه دارد.
اما اگر با این همه، باز راه خلاف و انحراف به پیمائید، بدانید پروردگار شما هرگز از کارهائی که انجام می دهید غافل نیست (و ما ربک بغافل عما تعملون).
گمان نکنید اگر خداوند کیفر شما را به لطفش تاخیر می اندازد دلیل این است که از اعمالتان آگاه نیست و یا حساب و کتاب آن محفوظ نمی ماند.
جمله و ما ربک بغافل عما تعملون که عینا - یا با کمی تفاوت - در نه مورد از قرآن مجید تکرار شده جمله ای است کوتاه و تهدیدی است پرمعنا و هشدار است به همه انسانها.
با آخرین آیه سوره نمل جلد ۱۵ تفسیر نمونه پایان می گیرد و الان غروب آخرین روز ماه شعبان ۱۴۰۳ و نزدیک طلوع هلال ماه مبارک رمضان است.
پروردگارا: به حرمت این ماههای عزیزت سوگندت می دهیم که توفیق بندگی خالص و تسلیم مطلق در برابر فرمانت و تلاوت آیات قرآن مجیدت را به ما مرحمت فرما.

خداوند! هر روز گوشه تازه‌ای از آیات عظمت را بما نشان ده تا تو را هرروز
بهتر و بیشتر بشناسیم، و به شکر اینهمه مواهبی که نصیب ما کرده‌ای بپردازیم.
بارالها! انبوهی از مشکلات جامعه اسلامی ما را فرا گرفته و دشمنان

تفسیر نمونه جلد ۱۵ صفحه ۵۷۸

در داخل و خارج سخت تلاشی می‌کنند تا نور تو را خاموش سازند.
توئی که به سلیمان آنهمه قدرت بخشیدی و به موسی در برابر فرعونیان آنهمه
قوت دادی، ما را بر این دشمنان پیروز بگردان و آنها را که قابل هدایت نیستند
همچون قوم عاد و هود و ثمود و قوم لوط درهم بشکن!

↑ فترت

→ قبل